

هرمس
و
زبان مرغان

آثاری از
رنه گنون، فریتیوف شوئون، لئو شایا،
مارتین لینگز، تیتوس بورکهارت

ترجمه
امین اصلانی

نشر جیحون

فهرست

۷		یادداشت مترجم
۱۵	رنه گنون	۱. زبان مرغان
۲۵	رنه گنون	۲. هرمس
۳۷	لئو شایا	۳. معنای پنهان هیکل
۴۹	فریتیوف شوئون	۴. راز کوآن
۵۷	فریتیوف شوئون	۵. کلیدی بر انجیل
۶۷	مارتین لینگز	۶. هفت گناه کبیره
۸۹	مارتین لینگز	۷. سروده های لیتوانیایی
۱۱	مارتین لینگز	۸. نشانه های اعصار
۱۳۵	تیتوس بورکهارت	۹. زبان عربی و هنرهای بصری
۱۵۷	تیتوس بورکهارت	۱۰. گیهان شناسی و علم نوین

در سنت باطنی بر این باورند که تاریخ بشری به‌طوری فزاینده سقوط می‌کند و اکنون ما در عصری تاریکیم، که به بیان هندوگروی مقام کلی-یوگه است، در پایان چرخه. و در این پایان، جهان دیگر باره در خود مستغرق می‌شود، همچون ستاره‌یی در حفره‌یی تاریک، تا دیگر بار به‌طریقی نو، قالب نو کند. و می‌گویند سنت در آغاز به‌توسط خداوند به انسان عطا شد و نسل اندر نسل، دست به دست گشت. ولی در این فراشد تاریک شد، گم شد و اکنون می‌باید یافت شود. این طریق تفکر به‌نوعی از نظر تاریخی پایه تمام سنن باطنی است.

برای گریز از این انحطاط، اشاره به انحطاط سنت بسنده نیست، که شاهد این مسیر خود پاره‌یی است از آنچه شرح می‌کند. نظریات افراطی تاریخ، میل دارد که هم پشتیبان چشم‌انداز پیشرفت‌باوری تاریخ بشریت باشد، هم شاهد انحطاط آن. سنت باطنی اما، گرچه که مدافع سنت همچون یک سنت‌گرای مرتجع نیست، ولی آنرا دریافت می‌دارد و پاره‌یی از زنجیر مطول باطنیت‌باوری در اعصار می‌شود. و این دست به دست شدن سنت، نه بر سیری تاریخی که بنا بر گونه‌یی ناپیوستگی ظاهری است؛ و چون خواهش عالم همه‌وقت نو بودگی است، سنت باطنی، تنزیل آنرا چون حال‌حاضری ابدی فعلیت می‌بخشد. که جزاین سنت خوابی تاریک می‌بود، بی‌بار و درلایه ظاهر می‌ماند و در بطون غور نمی‌کرد. که سنت خود نمودگار بازگشتی عمیق در قالبی نو به گذشته است و نمی‌تواند پل پشت سر را خراب کند، پلی که خود به زمان حاضر راه می‌یابد و بدان طریق ماده‌خام سنت، به‌وسیله تحلیل باطنی از منش تاریخ و اساطیر گذر می‌کند و در لحظه اکنون سرّ حقیقی آنرا متجلی می‌سازد. و اگر فروید به یونگ گفته بود که از آب گل‌آلود حکمت اسراری دوری کن، گنون بس فراتر می‌رود و می‌گوید روان‌کاوی که محصول عصر تاریک، کلی-یوگه است، "حد نهایت تجربه حقیقت در عصر حاضر است".

پس حقایق باطنی، مفصلی در ملتقای گیهان و تاریخ است و

حکمت اسراری و آیین‌های قدسی شهادت‌دهنده آن. و بدین ترتیب، تاریخ قدسی یا به‌وجهی واقعیات باطنی، سروکار با سرچشمه دارد، پس تاریخ‌نگاری نیست ولی در جستجوی آغاز تاریخ است. در جستجوی تجلی رخدادی در سرمنشاء هستی یا نقطه آغاز حدوث عالم. به عبارت دیگر، این تاریخ نه گاه‌شناختی بل منسوب به تجلی است، یعنی برپایه تجلیات و علی نیست بل نمادین است، منوط به رخدادی با ساختار اسطوره‌ای. و به این تعبیر سه گونه زمان هست، یکی علمی مبتنی بر زمان گالیه‌ای، دودیکر زمان حیات که برگسون از آن سخن می‌گوید، و سه‌دیگر زمان سنت باطنی که در آن زمان نامقدس و گیتیانه از زمان قدسی جدا می‌شود. بشر هرچه از این سرچشمه دورتر می‌شود، به‌طریق اسطوره و نماد به این سرچشمه ارزشی مطلق می‌بخشد و بدان فعلیت می‌دهد، و آنرا به عمل درمی‌آورد. و باطنی‌باوری یعنی بازسازی نمادین موازنه نخستین سرچشمه، سرچشمه‌یی یا که وجودی فراسوی حیات و ممات.

باطنی، صفتی بوده که در یونان باستان در مدرسه به‌کار می‌آمده؛ باطنی، بر هر آموزه یا پیکر دانشی گویند که به‌توسط سنت شفاهی به استادانی قابل انتقال می‌یافته است. در مکاتب فلسفی، باطنی در ابتدا به شاگرد رازآشنای فیثاغورث اطلاق می‌شده و یامبلیکوس چنین گزارش می‌کند که اگر شاگردی در راه زندگی و شهروندی خود در قضاوت سربلند برآید، بعد سکوتی پنج ساله،

در سخن عرفانی گفته می‌شود که دلیل ما حقیقت حقیقت است. باطن ظاهر، امر ظاهر است و باطن باطن، سرالاسرار. سرّی که محجوب می‌ماند، سرّی که خود حاجب است به سرّ. امر باطنی، محتویات مکنون یک آموزه است. که دانشی است که نمی‌تواند و نباید جز در اختیار اندک شاگردان رازآشنا قرار گیرد. محور حکمت اسراری، باطنیتی است که کل پیکر این دانش و معرفت را برمی‌سازد. ریمون آلبیو می‌گوید باطنیت سنتی، وحدت آموزه و عمل است. دلالت دارد "بر کل وجود، جسم، روح بشری و روح ملکوتی، راهی از هستی که به‌طور بنیادین متفاوت است". رنه گنون پدر باطنی‌گری نوین، در عصر حاضر در انطباق و اتصال سنت به معنای اصیل کلمه بسیار کوشیده است و همچنان خود در آخر رازآشنای باطنیت اسلامی شده و به آن دین گردن نهاده است و خود شیخی شده از مشایخ صوفی. فلسفه او مفروضات باطنی‌گری را به سنتی مشترک تحویل کرد و جامه‌یی جامع و واحد بدان پوشانید. او خود در مقام یک سنت‌باور چنین می‌گوید که "تاریخ به‌روشنی نشان می‌دهد که واماندگی بشر در بازشناختن نظمی سلسله مراتبی —برپایه تفوق نظم معنوی بر نظم دنیوی— چنین متعاقبات مشترکی را در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون پدید می‌آورد".

ایده وحدت استعلایی ادیان، وحدتی متجلی در آغاز زمان است و در اکنون بشریت به‌توسط سنت واحد اولی اتحاد یافته است، و علمداران این سنت در غرب امروز، همچون رنه گنون، فریتیوف شوئون، لئو شایا و- و به قول خود شایا- نشان دادند که اصول بنیادین وحی‌های مختلف یکسان است و این حقیقت به‌توسط کاوش مابعدالطبیعی اصول عقاید مکشوف می‌شود. این فوران و سریان معنی از دینی به دینی اختلاف دارد، اما در پرتو حقیقت کلیه و مافوق صوری، از متناقض‌نمایی بازمی‌ایستد و بالذاته در امر واحد درمی‌آمیزد. مع‌الوصف در جهت گذر به ماورای خطای ثنویت باور، نباید لبّ و لباب آن به درهم‌آمیزی و امتزاجی خیالی تیره و تار شود. بل می‌باید تفاوت‌ها و تخالف‌ها از سنت به سنت به‌تأکید تحت مداقه و ملاحظه قرار گیرد تا غور در اندیشه یگانه هریک میسر شود، در بازگشت به سرچشمه‌یی یکسان که بدایت و نهایت همه چیزهاست.

این کتاب ترجمه ده مقاله از کتاب "شمشیر معرفت"^۱ است که مجموعه مقالاتی است در زمینه سنت‌باوری، نمادگرایی، گیهان‌شناسی و باطنیت تطبیقی، به قلم چندی از باطنیت‌باوران بالنسبه شناخته شده در ایران. دو مقاله نخست از رنه گنون، راه‌گشا و مدخلی بر

¹ **The Sword of Gnosis**, Collected Essays, Edited by Jacob Needleman. (PENGUIN BOOKS INC, U.S.A.1974)

در میان این مجموعه فراهم آمده، جای مطالبی از نوشته‌های سیدحسین نصر به شدت خالی است که ایشان خود از اندیشمندان به حق صاحب نام این حوزه از تفکر حول مقولات سنت‌باوری و باطنیت در ادیان تطبیقی‌اند و به قلم ایشان یک چند رساله در متن اصلی کتاب گنجانده شده بود. اما از این‌رو که مجموعه آثار ایشان با هماهنگی خودشان به چاپ می‌رسد از ترجمه آن چشم‌پوشی شد. و نیز مقالاتی دیگر از نویسندگان کتاب، در مجلات یا مجموعه‌های دیگری، خصوصاً مقالات بورک‌هارت و گنون به ترجمه آقای جلال ستاری و صاحب‌نظران و صاحب‌قلمان دیگر به چاپ رسیده یا در دست چاپ است که جایی برای ذکر دوباره نمی‌گذارد. یادداشت‌های نویسندگان به صورت پی‌نوشت در انتهای هر مقاله

درج شده است و پانویس‌های مترجم با علامت ستاره مشخص شده و در پای صفحات آمده است. برای تهیه این پانویس‌ها بیشتر از کتاب فرهنگ غرایب خانم سودابه فضائلی استفاده شده است و زحمت ویرایش متن مقالات را نیز آقای محمدرضا اصلانی پذیرفتند که از هردو سپاسگزارم، همچنین از آقای امین اسپرغم برای نمونه‌خوانی و صفحه‌آرایی کتاب و خانم شبنم شریعت برای طراحی جلد کمال تشکر را دارم.

همیشه جای کاستن از کاستی‌ها باقی است، اما خواننده خود می‌داند که کار خالی از نقص کاری است که به حرف می‌گنجد اما در عمل آسان نیست. باشد که نکته‌بین از غلط‌ها درنگذرد و چشم پوشیده ندارد.

امین اصلانی

خرداد ۸۶